

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

پنجم جون ۲۰۱۶

تنظیم، تصحیح و شرح لغات: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۴۹

قصائد

-۴۵-

در صفت شب و مدح محمد تقی خان

بیگربیگی یزد^۱

چو از گردش چرخ سلطان خاور
سپهدار ظلمت برافراخت رایت
ز تاب شفق عارض آل مغرب
پی فتنه هر سو، سواران انجم
رخ ساده صفحه چرخ نیلی

به زیر آمد از بام این سبز منظر
کران تا کران کرده گیتی مسخر
چو روی عروسان ز سرخی شد احمر
به میدان گردون، کشیدند لشکر
شد از ارتباط ثوابت، مصور

^۱ این قصیده در الف نیامده است.

به دریای مغرب فرورفت، رامی^۲
به یک سوی ناهید در چنگ بربط
شتابان بخرو؟ سوم ماه تابان؟^۳
قمر همچو میخوارگان، جام در کف
به هر گوشه زین خیمه لاجوردی
من آن شب غریبانه تنها به کنجی
پی دفع سرمای دی، سینه منقل
ز بس رنج و دلتنگی و محنت و غم
بدو گفتم: ای چرخ تا چند آخر؟
هزاران سفته، کو نداند سر از پای
کسی کـو بُود، بلبل باغ دانش
نترسی، که گردد ترا ز آه مردم
و یا در صف حشر، روز قیامت
من از درد دل، با فلک در شکایت
که ای ناشناسای اوضاع گیتی!!!
دوای دل دردناک از کسی جوی
پناه بزرگان اطراف عالم
محمد تقی خان، که ایوان جاهش
سپهر آستانی، که او را به گیتی
کف دُرفشانش به هنگام بخشش
بهاری ست، کز رشحه ابر جودش
سپهری ست کاندز بزرگی و رفعت
آیا سرفرازی، که اوصاف جاهت
چمنهای طرف گلستان گردون
بهار وجود تو، در باغ گیتی

همه ساله باثی، به اقبال و دولت

بر احباب مشفق، بر اعداء مظفر

^۲ "رامی": بر وزن "جامی" لغت عربی و اصلاً در معنای "تیرانداز" است (از ریشه "رمی") - ولی در اینجا باید نام ستاره خاصی باشد
^۳ این مصراع کاملاً مغشوش است، که حتی به حدس هم، تصحیحش میسر نشد (مصحح پورتال)